نجات جوان محکوم به مرگ از چوبه دار

شرق: پسر جوانی که به خاطر قتل دوستش پای چوبه‌دار رفته بود، با رضایت اولیای دم از قصاص نجات پیدا کرد و به لحاظ جنبه عمومی جرم محاکمه شد.

به گزارش خبرنگار ما، مأموران پلیس مهر سال ۸۴ باخبر شدند درگیری دو جوان در یک ساندویچ‌فروشی به قتل یکی از آنها منجر شده‌است. وقتی پلیس در محل حضور یافت، فروشنده به پلیس گفت دو جوان را نمی‌شناسند و نمی‌داند چه اتفاقی بین آنها افتاد، فقط در یک لحظه دیده است که یکی از دو پسر جوان به سمت دیگری حمله کرده و به او یک ضربه چاقو زده است. او گفت: به محض اینکه دیدم چه اتفاقی افتاده است، بلافاصله به اورژانس خبر دادم و کمک خواستم، اما وقتی تکنسین‌ها آمدند گفتند او جانش را از دست داده است. به دستور بازپرس جسد به پزشکی قانونی انتقال یافت و تحقیقات ادامه پیدا کرد. مأموران در بررسی‌هایی که انجام دادند متوجه شدند کسی که با مهرداد (مقتول) در ساندویچی حضور داشت آرش دوست چندین ساله او بود. وقتی مأموران به خانواده مهرداد خبر دادند چه اتفاقی افتاده است، یکی از اعضای خانواده او گفت: آرش و مهرداد با هم خیلی دوست بودند و مرتب با هم بیرون می‌رفتند، آن روز هم با هم بودند و ما نمی‌دانیم چه اتفاقی بین آنها افتاده است. وقتی مأموران به مقابل خانه آرش مراجعه کردند تا او را بازداشت کنند، مادرش گفت فرزندش از شهر خارج شده و به آنها نگفته کجا رفته است. او گفت: پسرم توضیح نداد چه اتفاقی افتاده است، فقط به من گفت باید چند روزی به شهرستان برود و من هم از او خبر ندارم، تحقیقات مأموران برای بازداشت آرش به جایی نرسید و خانواده‌اش هم همچنان از او بی‌اطلاع بودند تا اینکه مأموران پلیس شهرستان عسلویه به مأموران پلیس تهران خبر داد جوانی به نام آرش به آنها مراجعه کرده و گفته در تهران مرتکب قتل شده است. وقتی مأموران اظهارات متهم را بررسی کردند، متوجه شدند آرش همان کسی است که مهر سال ۸۴ جوانی را در تهران به قتل رسانده است. با نیابت قضائی آرش به تهران منتقل و از او بازجویی شد. او در بازجویی‌هایی که در تهران انجام گرفت به قتل اعتراف کرد و گفت: من و مهرداد خیلی با هم دوست بودیم و رابطه خیلی خوبی هم داشتیم، روز حادثه برای خوردن ساندویچ به یک ساندویچ فروشی رفتیم و داشتیم غذا می‌خوردیم و با هم شوخی می‌کردیم که یکباره مهرداد عصبانی شد. از شوخی‌ای که کردم ناراحت شده بود. وقتی او با من عصبانی برخورد کرد من هم ناراحت شدم و با هم درگیر شدیم. یکباره از شدت عصبانیت چاقویی درآوردم و وقتی او به من حمله کرد من هم او را زدم.

متهم ادامه داد: بعد هم فرار کردم. نمی‌دانستم مهرداد مرده. فکر می‌کردم زخمی شده است و با خودم گفتم اگر مدتی از تهران دور شوم و بعد از خوب‌شدن مهرداد بیایم، او هم ناراحتی‌اش برطرف شده است و آشتی می‌کنیم، اما بعد شنیدم او فوت کرده است. به عسلویه رفتم و در آنجا زندگی می‌کردم، اما عذاب وجدانی که داشتم رهایم نمی‌کرد و نمی‌توانستم خودم را کنترل کنم هر روز حالم بدتر می‌شد تا اینکه تصمیم گرفتم خود را به مأموران تسلیم کنم.

با درخواست قصاص از سوی اولیای‌دم و تکمیل تحقیقات و صدور کیفرخواست، پرونده برای رسیدگی به شعبه ۷۴ وقت دادگاه کیفری استان تهران فرستاده شد. از متهم تحقیق شد و همه آنچه را گفته بود یک‌بار دیگر اعتراف کرد و از اولیای‌دم خواست او را ببخشند، اما آنها قبول نکردند و رأی بر قصاص متهم صادر شد. دیوان‌عالی کشور رأی صادره را تأیید کرد و و متهم در فهرست قصاصی‌های اجرای احکام قرار گرفت. صبحی که آرش برای اجرای حکم پای چوبه‌دار برده شد، یک‌بار دیگر با خواهش و التماس از اولیای دم خواست او را ببخشند و آنها نیز قبول کردند در قبال دریافت دیه از قصاص گذشت کنند. بعد از انجام مراحل قانونی اعلام گذشت، پرونده این‌بار به لحاظ صدور حکم برای جنبه عمومی جرم به شعبه چهار دادگاه شماره یک کیفری استان تهران فرستاده شد. روز گذشته متهم پای میز محاکمه رفت، او اتهام را قبول کرد و گفت: راستش از اینکه قتل چطور اتفاق افتاد، چیز زیادی یادم نیست، اما از کرده خودم خیلی پشیمان هستم از سال ۸۵ در زندان هستم و روزهای سختی را گذارندم حالا هم که اولیای دم گذشت کرده‌اند از دادگاه درخواست دارم در مجازات عمومی من تخفیف دهد. با پایان جلسه رسیدگی، هیأت قضات برای صدور رأی وارد شور شدند.

دختر ۲ ساله، قربانی اعتیاد مادر

شرق: تحقیقات قضائی از پسری جوان که متهم است دختری دوساله را به قتل رسانده، در جریان است و این فرد در زندان به سر می‌برد.

رسیدگی به این پرونده زمانی آغاز شد که کسبه محله‌ای با پلیس استان خراسان رضوی تماس گرفتند و خبر دادند زن و مردی را در حال دفن جنازه یک کودک دیده‌اند. مأموران بعد از دریافت این خبر به‌سرعت در محل حاضر شدند و دو مظنون را بازداشت کردند. زن جوان در همان اظهارات اولیه‌اش به دفن جسد کودک اقرار کرد و گفت: «دخترم فوت شده بود به همین دلیل جسد را دفن کردیم».

مأموران با راهنمایی این زن به محل دفن جسد که گوشه‌ای از قبرستانی قدیمی بود، رفتند و جنازه را از زیر خاک بیرون کشیدند. پس از آنکه پیکر بی‌جان دختر دوساله به پزشکی قانونی منتقل شد، متخصصان به بررسی علت مرگ پرداختند و فهمیدند این کودک به مرگ طبیعی فوت نشده بلکه بر اثر انسداد مجاری تنفسی جان باخته و در واقع او را خفه کرده و به قتل رسانده‌اند. دو مظنون بعد از اعلام نظریه پزشکی قانونی تحت بازجویی‌های فنی قرار گرفتند. مادر کودک که یاسمن نام دارد در اعترافاتش گفت: «من اعتیاد شدیدی به مواد مخدر دارم. شوهرم نیز در زمینه خرید و فروش مواد فعالیت می‌کرد، اما هنوز دو ماه از تولد بچه‌مان نگذشته بود که همسرم را دستگیر کردند و او به زندان افتاد. از آن به بعد برای تهیه مواد با مشکل مواجه

شدم به همین دلیل سراغ احسان رفتم که در همسایگی ما زندگی می‌کرد او نیز اعتیاد داشت، از آن به بعد احسان مواد را تهیه می‌کرد و با هم در خانه من مصرف می‌کردیم».

این زن ادامه داد: «روز حادثه دخترم کمی بدحال بود و مرتب گریه می‌کرد، احسان برای مصرف مواد به خانه من آمده بود، او از گریه‌های دخترم کلافه شد و به من گفت او را خوب تربیت نکرده‌ام. احسان سپس به دخترم سیلی زد، بلکه او را آرام کند، اما گریه‌های بچه قطع نشد. احسان او را پشت پرده برد تا بخواباند چند لحظه بعد صدای دخترم قطع شد و من فکر کردم او خوابیده است، بعد از آن دو نفری مشغول مصرف مواد شدیم تا اینکه حدود نیم ساعت بعد احسان از من خواست به دخترم سری بزنم او گفت نگران شده است. وقتی پشت پرده رفتم دیدم صورت دخترم کبود شده است. وقتی دقت کردم فهمیدم نفس نمی‌کشد. خیلی ترسیده بودم و نمی‌دانستم با جسد چه کار کنم. آن را سه روز در خانه نگه داشتم تا اینکه بالاخره با احسان تصمیم گرفتیم جنازه را دفن کنیم. به همین دلیل آن را در ملحفه‌ای سفید پیچیدیم و به گورستانی قدیمی بردیم، اما در راه بازگشت از آنجا دستگیر شدیم».

وقتی احسان تحت بازجویی قرار گرفت ابتدا ادعا کرد از علت مرگ کودک بی‌اطلاع است، اما در تحقیقات تخصصی مسئولیت این اتفاق را برعهده گرفت و جزئیات جنایت را شرح داد. او گفت: «آن روز صدای دختربچه من را به شدت کلافه کرده بود. به همین دلیل بچه را پشت پرده بردم و شالی را دور دهانش پیچیدم و فشار دادم البته فکر نمی‌کردم بمیرد به همین دلیل نیز بعد از نیم‌ساعت از یاسمن خواستم سری به دخترش بزند». بنا بر این گزارش، متهم اصلی اکنون در بازداشت به سر می‌برد و تحقیقات از او ادامه دارد.

دستگیری سارقی که مادرش جراح قلب است

پسر جوانی که مرتکب ۱۵۰ سرقت لوازم داخل خودرو شده بود، در بازجویی‌ها مدعی شد مادرش جراح قلب و پدرش سرهنگ نظامی است. مأموران پلیس اوایل بهمن امسال حین گشت‌زنی در خیابان سبلان، متوجه رفتار مشکوک مرد جوانی شدند. مأموران پس از بررسی موضوع و بازرسی بدنی مرد جوان، موفق شدند سه ضبط خودرو از داخل جیب کاپشن او کشف کنند. با انتقال متهم به پلیس آگاهی، او به سرقت لوازم داخل خودرو اعتراف کرد. با ارسال پرونده به دادسرای ویژه سرقت، متهم در بازجویی‌ها با اعتراف به سرقت لوازم داخل خودرو، گفت: از چند سال قبل به ماده مخدر شیشه اعتیاد پیدا کردم به‌همین‌دلیل پدر و مادرم چند باری مرا در کمپ ترک اعتیاد بستری کردند، اما هر بار پس از ترخیص، دوباره با دوستانم مواد مصرف می‌کردم. برای اینکه سرگرم شوم خانواده‌ام تصمیم گرفتند ازدواج کنم. با دختری که آنها انتخاب کرده بودند ازدواج کردم، اما همسرم را دوست نداشتم. اولین‌بار شش سال قبل به جرم سرقت دستگیر شدم و چند ماهی را در زندان بودم. از سال ۸۵ تابه‌حال ۹ بار به اتهام سرقت و فرار از دست مأموران دستگیر شده و به زندان رفته‌ام. متهم ۳۱ساله درباره علت دستگیری‌اش به بازپرس پرونده گفت: بعد از آخرین باری که دستگیر شدم در زندان با سه نفر از همدستانم تصمیم به سرقت لوازم داخل خودرو گرفتیم. بعد از آزادی شب‌ها با پرسه‌زنی در محلات خلوت لوازم باارزش خودروها را سرقت می‌کردیم. در سه ماه گذشته با همدستی دو دوستم ۱۵۰ سرقت لوازم داخل خودرو انجام دادیم بعد از هر سرقت، اموال را به مالخری در جنوب تهران می‌فروختیم. در این مدت از طریق سرقت چهار میلیون تومان به جیب زدم که بیشتر آن خرج مواد شد. مادر من یکی از جراحان بنام قلب تهران است و پدرم نیز نظامی است، اما من از بچگی در تنهایی بزرگ شدم و هیچ‌کدام از آنها نظارتی روی تربیت من نداشتند. در این مدت نیز بیشتر در خیابان و کوچه می‌خوابیدم پدر و مادرم چند سالی است که به دیدنم نمی‌آیند و می‌گویند ما پسری به نام مهرداد نداریم. با اعترافات متهم ۳۱ ساله، او با دستور علی وسیله ایزد موسی، بازپرس شعبه پنجم سرقت، برای تحقیقات بیشتر و شناسایی دو همدست فراری‌اش بازداشت و در اختیار کارآگاهان پلیس آگاهی قرار گرفت.

پنج قاره

۴ زخمی در تیراندازی در کافه

● دست‌کم چهار نفر در جریان تیراندازی فردی مسلح در کافه‌ای در منطقه ایوب استانبول، زخمی شدند و حال دو نفر از آنان وخیم گزارش شده است. سه فرد مسلح ناشناس در کافه‌ای در منطقه ایوب استانبول آتش گشودند که دست‌کم چهار نفر به بیمارستان منتقل شدند. دو نفر از مصدومان گلوله به سرشان اصابت کرده که وضعیت وخیمی دارند. پلیس جست‌وجو برای یافتن مهاجمان مسلح را آغاز کرده است. یکی از مسئولان این کافه گفته است اطلاعاتی وجود داشت که نسبت به وقوع حمله‌ای قریب‌الوقوع هشدار می‌داد و حتی یک افسر پلیس در نزدیکی این کافه مشغول گشت‌زنی بود. حمله مشابهی نیز روز دوشنبه در منطقه دیگری از استانبول به وقوع پیوست که چهار زخمی بر جای گذاشت.

افسر پلیس پسر ۲ ماهه‌اش را کشت

● افسر پلیس پس از مرگ نوزاد دوماهه‌اش دستگیر شد. این افسر ۳۸ساله در حال جروبحث با همسرش بود که پس از مشاجره، همسرش وی را ترک کرد. او سپس با نیروهای امداد تماس گرفت و گزارش داد کودکش نفس نمی‌کشد. طبق گفته پرستار، او به کودک تنفس مصنوعی داد ولی کودک جان سالم به در نبرد. پس از کالبدشکافی مشخص شد کودک به علت «سندرم مرگ ناگهانی نوزاد»، که در آن نوزاد بدون هرگونه عارضه یا حادثه فوت می‌کند، جان خود را از دست نداده بلکه دچار صدمات شدید مغزی شده است. به گفته پلیس، این افسر با یکی از همکارانش روابط نامشروع داشت و مشکلات این خانواده از همین‌جا آغاز شد.

آتش‌زدن دختر ۱۵ساله پس از ساعت‌ها تعرض

● جنازه دختری که متجاوزان به او تعرض کردند، به آتش کشیده شد. سه متجاوز پس از تجاوز به شاما دختربچه ۱۵ساله هندی، روی او نفت چراغ ریختند و در حالی که زنده بود، او را آتش زدند و او را رها کردند تا بمیرد. مادر این دختر می‌گوید اگر این متعرضان به دخترم تعرض کردند، پس باید به خواسته‌شان رسیده باشند، پس چرا دیگر او را کشتند. من ترجیح می‌دادم با وجود تمام مشکلات دخترم را در کنار خودم داشته باشم نه اینکه هر روز از غم دوری او غمگین باشم و بگریم. این تنها موردی نبوده که در هند اتفاق افتاده است. معمولا هنگامی که این اتفاقات در هند می‌افتد، از دیدگاه مردم، قربانیان مجرم شناخته می‌شوند و به جای همدردی و کمک به آنها، با آنها بدرفتاری می‌شود و تحقیرشان می‌کنند. اگر هم آن فرد کشته شود، درباره او و خانواده‌اش بدگویی می‌کنند و انگشت اتهام به سوی آنهاست. خانواده قربانیان می‌گویند حق زنان در اغلب موارد نادیده گرفته و پایمال می‌شود.

حادثه‌ها

۴ کشته در برخورد زنجیره‌ای ۱۲ خودرو

● برخورد زنجیره‌ای ۱۲خودرو در آزادراه کرج - قزوین چهارفوتی برجای گذاشت. سیدمصطفی مرتضوی، سخنگوی سازمان امداد و نجات جمعیت هلال‌احمر ضمن تشریح امدادرسانی‌های انجام‌شده به حادثه برخورد زنجیره‌ای ۱۲ خودرو در ساعت ۶:۴۵ دیروز، گفت: در جریان این حادثه چهار نفر مصدوم شدند که عوامل امداد و نجات سه نفر و اورژانس یک نفر از آنها را برای دریافت خدمات لازم به مراکز درمانی منتقل شدند. وی گفت: به دلیل شدت حادثه، متأسفانه چهار نفر از حادثه‌دیدگان این تصادف زنجیره‌ای جان خود را از دست دادند.

متهمان، شاکی شدند

● دو مرد افغان که به اتهام تعرض به زنی بازداشت شده بودند، در بازجویی‌ها اعلام کردند قربانی توطئه‌ای شوم هستند. زنی با حضور بازپرس دادسرای جنایی، از دو افغان به دلیل تعرض به وی در خانه‌اش شکایت کرد. او گفت: من تنها در خانه بودم که دو مرد افغانی وارد خانه شدند و مرا اذیت کردند و آزار دادند که در همین حین همسرم وارد خانه شد. درحالی‌که دو مرد افغان در بازجویی‌ها گفتند مردی به بهانه کار ما را به خانه‌اش برد و با نقشه ما را تک‌تک به داخل خانه وارد کرده و دست‌وپای ما را بست و پول‌های ما را به‌اجبار از ما گرفت. این دو مرد افزودند: مرد ایرانی از ما خواست ۲۰ میلیون تومان به حساب وی واریز کنیم، در غیر این صورت با پلیس تماس گرفته و تعرض به همسرش را به ما نسبت می‌دهد. این دو تبعه افغان اظهار کردند: ما این درخواست وی را نپذیرفتیم؛ بنابراین وی ما را با چاقو مضروب و سپس به ما تعرض کرد و با پلیس تماس گرفت. سجاد منافی‌آذر، بازپرس جنایی شعبه دوم دادسرای جنایی نیز به دنبال این اعترافات پرونده را به دادگاه کیفری احاله کرد.

فیلم سیاه برای تعرض به دختران

● فرمانده انتظامی شهرستان «بم» از دستگیری فردی که در فضای مجازی از طریق پیشنهاد ازدواج درصدد اخاذی از دختران جوان بود، خبر داد. سرهنگ «محمدرضا فدا» اظهار کرد: دختر جوانی با مراجعه به پلیس فتای بم و ارائه شکایتی مدعی شد فردی با نام مستعار «امیرعلی» از طریق شبکه‌های اجتماعی با وعده ازدواج وی را به خانه‌ای دعوت و به طور پنهانی از او فیلم تهیه کرده است. سرهنگ فدا گفت: شاکی در اظهارات خود بیان کرد متهم با تهدید به انتشار فیلم‌ها از وی مطالبه پول و درخواست‌های غیراخلاقی کرده است. وی افزود: کارشناسان پلیس فتای بم با توجه به حساسیت پرونده و گزارش چند مورد مشابه، اقدامات تخصصی خود را برای شناسایی متهم آغاز کردند. سرهنگ «فدا» اضافه کرد: مأموران با انجام تحقیقات و اقدامات فنی گسترده هویت متهم را که در شبکه‌های اجتماعی با نام کاربری مستعار مرتکب اقدامات مجرمانه شده بود، شناسایی و او را پس از هماهنگی‌های لازم قضائی دستگیر کردند. وی با اشاره به اعتراف متهم به جرمش تصریح کرد: والدین برای پیشگیری از این قبیل مسائل لازم است به دختران و پسران نوجوان خود بیاموزند شبکه‌های اجتماعی محیط امنی برای طرح مسائل خصوصی و انجام درخواست‌های افراد ناشناس نیست.

دستگیری قاتل فراری

● قاتل فراری پس از چهار ماه به دام افتاد. سرهنگ رحیم شعبانی، فرمانده نیروی انتظامی استان گیلان گفت: مأموران انتظامی رشت با پیگیری‌های مداوم، سرانجام پس از چهار ماه، قاتل ۲۷ساله را که بعد از ارتکاب قتل موفق به فرار شده بود، دستگیر کردند. وی افزود: متهم با استفاده از سلاح سرد، جوانی را به قتل رسانده و متواری شده بود. فرمانده انتظامی شهرستان رشت اضافه کرد: پرونده قاتل به منظور بررسی بیشتر و سیر مراحل قانونی، با دستور مقام قضائی به بخش جناحی پلیس آگاهی استان گیلان تحویل داده شد.

رخداد

مصدومیت آتش‌نشانان در اطفای حریق انبار

● سخنگوی سازمان آتش‌نشانی از مصدومیت دو آتش‌نشان در اطفای حریق انبار ۲۰۰متری کالا خبر داد. سیدجلال ملکی اظهار کرد: ساعت ۴:۲۶ بامداد دیروز آتش‌سوزی در یک ساختمان واقع در خیابان کارگر، تقاطع آذربایجان به سامانه ۱۲۵ اعلام و چهار ایستگاه به همراه تجهیزات به محل حادثه اعزام شد. وی ادامه داد: طبقه دوم یک ساختمان دوطبقه ۲۰۰متری که به انبار کالا تبدیل شده بود، طعمه حریق شد و آتش به سقف شیروانی این واحد سرایت کرده بود. تعدادی کارگر در این طبقه قرار داشتند که موفق به خروج از ساختمان شده بودند. سخنگوی سازمان آتش‌نشانی تصریح کرد: سقف این واحد به دلیل آتش‌سوزی تخریب شد و دو نفر از آتش‌نشان‌ها دچار آسیب شدند.

انهدام باند سارقان قطعات خودرو

● سه سارق قطعات خودرو بعد از دستگیری، به ۷۰ فقره سرقت اعتراف کردند. سرهنگ «منصور خدادادی»، رئیس پلیس آگاهی استان تهران گفت: در پی وقوع چند فقره سرقت قطعات خودرو در شهرستان ملارد، بررسی موضوع در دستور کار مأموران پلیس آگاهی قرار گرفت. رئیس پلیس آگاهی ویژه غرب استان تهران افزود: مأموران پلیس آگاهی با انجام تحقیقات و بررسی صحنه‌های سرقت متوجه شدند سرقت‌ها در طول شب انجام شده که با انجام کارهای اطلاعاتی موفق به شناسایی سه سارق سابقه‌دار در شهرستان ملارد شدند. سرهنگ خدادادی تصریح کرد: مأموران در عملیاتی غافلگیرانه با هماهنگی مقام قضائی سارقان را در مخفیگاهشان دستگیر و در بازرسی از مخفیگاه متهمان چهار دستگاه ضبط خودرو، چادر مسافرتی، سنگ فرز، دریل و... را کشف کردند. این مقام انتظامی بیان کرد: سارقان در بازجویی‌های پلیسی به ۷۰ فقره سرقت قطعات خودرو در شهرستان ملارد با همدستی یکدیگر اعتراف کردند. وی در پایان با اشاره به اینکه شهروندان می‌توانند در صورت مشاهده هرگونه موارد مشکوک مراتب را سریع به مرکز فوریت‌های پلیسی ۱۱۰ گزارش کنند، خاطرنشان کرد: متهمان پس از تشکیل پرونده برای سیر مراحل قانونی به مرجع قضائی تحویل داده شدند

ادامه از صفحه ۱۱

بادهای مخالف

● دراین‌میان اگر قرار باشد ایرادی به چندوچون کنونی شرایط توسعه صنعت هوانوردی بگیریم، مشکل نه خریدهاست، نه حتی به‌تنهایی به زیرساخت نامناسب کنونی بازمی‌گردد، بلکه مشکل اصلی در پراکندگی و تمرکزنداشتن سیستم تصمیم‌گیری و قاطعیت لازم در تعریف چارچوب‌های کنونی صنعت هوانوردی کشور است. به‌علاوه، فراوانی شرکت‌های کوچک هواپیمایی در شرایطی که همه در هیجان توسعه حوزه هوانوردی کشور هستیم، به‌جز خُردترکردن سهم یکدیگر از بازار، چندان نتیجه‌ای به همراه ندارد. شاید اگر در هر کشور دیگری بود، اولین اقدام بسیاری از این شرکت‌های کوچک، ادغام و تشکیل شرکت‌های بزرگ‌تری با توان مالی، انسانی و مدیریت بهتر بود. به‌علاوه، امنیت سرمایه‌گذاری روی آنها نیز در نظر شرکت‌های بیمه‌گذار یا بانک‌ها و مؤسسات تأمین‌کننده منابع مالی برای خرید یا اجاره هواپیما افزایش می‌یافت.

* روزنامه‌نگار حوزه هوانوردی